



رویکرد دینی و مذهبی دانشمندان در عصر امام خمینی

یکی از تحولات شگفت در عصر امام خمینی (ره)، رویکرد دوباره دانشمندان رشته‌های مختلف علوم به ایمان مذهبی و اعتقاد به توافق علم و دین و رجوع به آموزه‌های دینی برای کشف مجهولات لاینحل هستی است. توسعه و تثبیت پایگاه دین باوران در میان دانشمندان جهان معاصر و افزایش بی‌سابقه معتقدین به نقش تعیین کننده دین در گشایش بن‌بست‌های علم جدید، در دو دهه اخیر رشد و گسترش فوق‌العاده و متحیر کننده‌ای یافته است....

یکی از تحولات شگفت در عصر امام خمینی (ره)، رویکرد دوباره دانشمندان رشته‌های مختلف علوم به ایمان مذهبی و اعتقاد به توافق علم و دین و رجوع به آموزه‌های دینی برای کشف مجهولات لاینحل هستی است.

توسعه و تثبیت پایگاه دین باوران در میان دانشمندان جهان معاصر و افزایش بی‌سابقه معتقدین به نقش تعیین کننده دین در گشایش بن‌بست‌های علم جدید، در دو دهه اخیر رشد و گسترش فوق‌العاده و متحیر کننده‌ای یافته است.

پیشینه‌ای از باورهای دینی در میان دانشمندان بزرگ جهان

برخلاف برخی از پیش‌داوری‌ها «بین‌الذرات علم جدید همانند کپلر در قرن شانزدهم و گالیله در قرن هفدهم و نیوتن و سایرین، انسان‌های متدینی بودند.» اساساً «دانشمندان قرن هفدهم مانند گالیله، کاتولیک‌های معتقد بودند و «رابرت بویل» برای علم یک رسالت دینی قایل بودند»، «نیوتن که خود فرد شاخص این جریان» است و علم امروز مادیون اوست فیزیک‌دان الهی و موحد و از سنخ مسیحیانی بوده که مسیح را انسانی (از بندگان خداوند) می‌دانسته و بسیار به الهیات علاقه‌مند بوده است.» چنانکه «جیمز کلارک ماکسول فیزیک‌دان برجسته اسکاتلندی قرن نوزدهم روزهای یک‌شنبه را برای مطالعه الهیات اختصاص داده بود.» در واقع «غالب فیزیک دانان کلاسیک هم چون کپلر، گالیله، نیوتن، آرتستد، امپر، مایکل، فارادی، هانری، ماکسول، با ارجاع به نظم و انسجام طبیعت وجود خداوند را اثبات کردند و تمامی این دانشمندان فیزیک را راهی برای دیدن آثار خداوند در طبیعت قانون‌مند می‌دانستند.» و به قول گالیله: «خداوند در اعمال طبیعت کمتر از جملات مقدس انجیل ظاهر نمی‌شود.»

آغاز دوران انزوای معتقدات دینی

در عین حال با به اوج رسیدن فیزیک کلاسیک در قرن 19 و اتکای بیش از حد گروهی از دانشمندان به توانایی علم و ظهور و گسترش تفکرات پوزیتیویستی و سلطه آن بر محیط‌های علمی غرب در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، بسیاری از دانشمندان با تکیه بر اصالت تجربه به نفي هرگونه شناخت مبتنی بر دین و فلسفه و عرفان و تمسخر آموزه‌های دینی و انکار متافیزیک پرداختند. سلطه تفکرات صاحب نظرانی چون اگوست کنت (1798-1857)، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی که «تنها امور قابل مشاهده را علمی می‌دانست و خود را پیامبر دین انسانیت معرفی نمود.» بر فضای فکری و علمی دوران مذکور، عرصه را بر اعتقادات دینی و مذهبی و دانشمندان متدین و معتقد در مغرب زمین به شدت تنگ نمود.

علی‌رغم وجود بسیاری از عالمان معتقد در این دوران تاریخ، فضای مسموم برآمده از علم‌گرایی محض، تأثیرات مخربی بر جریان علمی و عالمان دو قرن اخیر، بر جای گذاشت به نحوی که: «در اوایل قرن بیستم و طی یک نظرخواهی از هزار نفر دانشمندان علوم مختلف که هفتصد نفر به آن پاسخ دادند معلوم گردید تنها 40% آنها معتقد به خداوند هستند و با این نتیجه پیش‌بینی شد در آخر قرن بیستم درصد معتقدین به خدا کمتر شود.»

و استاد معروف دانشگاه و صاحب‌نظری چون آون پررد در سال 1950 می‌گوید: «من پنجاه کتاب روان‌شناسی درسی را در آمریکا بررسی کردم حتی یک بحث کوچک درباره مذهب به عنوان یک بحث انسانی و عاطفی مطرح نشده بود.»

بن‌بست علم جدید دوران هوشیاری نسبی

از نیمه اول قرن بیستم به این سوء با آشکار شدن بن‌بست علم‌گرایی محض، و بحران‌های ناشی از آن در غرب، به تدریج بر شمار دانشمندان موحد و معتقد به توافق علم و دین افزوده گردید. در این دوره دانشمندانی چون ماکس پلانک نظریه پرداز فیزیک کوانتومی به صراحت از «همدلی علم و دین و ستیز هم‌آهنگ آنها بر ضد خرافات سخن به میان آوردند.» و شالو (A.Shawlow) فیزیک‌دان آمریکایی و برنده جایزه صلح نوبل از اعتقاد خود به خداوند و لزوم ارجاع سؤال‌های اساسی به دین و دریافت پاسخ از آن سخن گفت.» پاکینگ‌هورن (Poikinhorn) فیزیک‌دان انگلیسی به طرح موضوع نقصان علم بدون دین پرداخت. مارگنو (Margenau) فیزیک‌دان آمریکایی و همکار انیشتین نظریه خود مبنی بر نیاز علم به دین و اعتقاد انیشتین به این که «کشف یک قانون بنیادی تأیید شده طبیعت الهامی از خداست» را بازگو نمود و دانشمندانی هم مانند کرسی مورپسن و روبر از فزیک، زیست‌شناسی، فیزیولوژی و ریاضیات برای اثبات خداوند و هدف‌داری حیات مدد گرفتند.

در این دوره در حوزه علوم انسانی نیز تحولاتی پدید آمد چنانکه در حوزه روان‌شناسی در غرب با «پدید آمدن یک موج ضد فرویدیسیم، روان‌شناسانی ظهور کردند که نهایت همدلی را با دین داشتند که از میان آنان می‌توان از کسانی مانند ویکتور فرانکل، مری داگلاس، کارن هورنای، کارل راجرز، الپورت، ابراهام مزلو، نام برد.

این روان‌شناسان برخلاف فروید که معتقد بود گرایش به دین در اثر عقده اودیپی حاصل از عشق جنسی فرزند به مادر است و دین‌داری در واقع نوعی بیماری روانی است، معتقدند که دین‌داری گرایشی اصیل در وجود آدمی است.»

انقلاب اسلامی و رویکرد دینی و مذهبی دانشمندان

علی‌رغم پدید آمدن زمینه‌های مناسب درک جایگاه مهم دین در زندگی بشر و تلاش در خور تحسین تعداد زیادی از دانشمندان موحد و معتقد در راه ایجاد تحوّل جهانی و بنیادی در نحوه نگرش شخصیت‌ها و مراکز علمی و آموزشی نسبت به دین، طی چند دهه اخیر، به واسطه نگرش‌های منفی به مقوله دین، فضای غالب محیط‌های علمی جهان را تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، معتقدان

به لزوم دوری گزیدن از دین و آموزه‌های آن رقم می‌زدند.

اما شواهد فراوان و تحولات جاری حاکی از این واقعیت است که با پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری فطری بیش از پیش بشر غفلت زده رویکرد دینی مجامع تحقیقاتی و محافل علمی و دانشمندان رشته‌های گوناگون علوم وارد مرحله‌ای جدید گردیده است.

یکی از اندیشمندان کشورمان در تأیید واقعیت فوق می‌گوید:

«شما اگر وضعیت بیست سال پیش اروپا، آمریکا را با حالا مقایسه کنید (می‌بینید) اصلاً قابل قیاس نمی‌باشد، حتی هفت-هشت سال پیش را که من با حالا مقایسه می‌کنم تفاوت بسیار است.» ایشان اضافه می‌کنند:

«چند سال قبل برای سمینار (تعبیر فیزیکی نسبیت) در لندن بودم بحث کیهان‌شناس مطرح بود یک فیزیک‌دان فیلسوف بلژیکی در ضمن آنکه داشت راجع به یک مدل کیهان‌شناسی صحبت می‌کرد اسمی از خدا آورد، که یک فیزیک‌دان آمریکایی (از دانشگاه آکسفورد) گفت: در کنفرانس فیزیک جایی برای آوردن اسم خدا نیست! این را من خودم شاهد بودم. اما الان وضعیت آنچنان تغییر کرده است که:

چهار سال پیش انجمن آمریکایی پیشرفت علم که بزرگ‌ترین انجمن علمی آمریکاست و بسیاری از شخصیت‌های برجسته علمی آمریکا عضو آن هستند، سمینار دوره‌اش را برگزار کرد، در آن سمینار کاری که برای اولین بار کرده بودند این بود که غیر از جلسه‌های موازی که معمولاً در رابطه با کنفرانس‌ها می‌گذارند یکی- دو جلسه هم درباره «رابطه علم و دین» قرار داده بودند. این جلسات آنچنان شلوغ بود که بقیه جلسه‌ها را تحت شعاع قرار داده بود و سر و صدای اولیای سمینار را درآورد، یعنی وضعیت این چنین تغییر کرده است. یک وقتی اسم «دین» را آوردن در محیط‌های علمی و آموزشی و غیره خلاف مد بود اما الان این طور نمی‌باشد.»

«بنده در سال 98 در کنفرانسی بودم که در آن، دو نفر از بزرگان کیهان‌شناسی جهان صریحاً به من گفتند که در تحقیقات سال‌های اخیرشان به این نتیجه رسیده‌اند که علم خودکفا، نیست و باید برای پاسخ بسیاری از سؤالات به خدا روی آورد.»

در تأیید این اظهارات می‌توان به سخنان پرفسور بروس مینگن (Bruce Mongon) (استاد شناخت پژوهی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی) اشاره کرد، وی نیز طی سخنرانی خود در دومین «کنگره تلفیق علم و دین» (هندوستان / ژانویه 1996) بر گسترش بی‌سابقه رویکرد دینی و معنوی دانشمندان طی سال‌های اخیر صحنه نهاده می‌گوید:

«از اوایل قرن حاضر روش علمی به جمود گرایید و به مشاهدات و واقعیات خشک خارجی محدود گشت و به دین و تجربه دینی به چشم دشمن ابدی خود نگریست. اما خوشبختانه از آغاز دهه کنونی علاقه به آگاهی و تجارب دینی و معنوی در کار علمی تجدید شده است.»

تغییر شدید گرایش‌ها و نگرش‌های دینی و مذهبی در بسیاری از مراکز علمی و دانشگاه‌های معتبر جهان به ویژه در غرب طی سال‌های اخیر تا آن جاست که:

«در حال حاضر در دانشگاه استانفورد (آمریکا) جایی که تا چند سال قبل عبادت ارزشی تلقی نمی‌شد حدود سیصد الی پانصد نفر از دانشجویان دائماً در مراسم عبادی شرکت می‌نمایند.»

براساس آمارهای موجود «نیمی از پژوهشگران مرکز ملی پژوهش‌های علمی در فرانسه به خدا ایمان دارند و خیلی‌ها هم احساس می‌کنند به این مرحله نزدیک شده‌اند.»

مطابق گزارش‌های تهیه شده: چند سالی است که دانشگاه کمبریج رشته سخنرانی «علم و الهیات» را شروع کرده است و در سال 1998 مبلغ یک میلیون و یکصد هزار پوند به دانشگاه آکسفورد اهدا شد تا کرسی علم و دین را تأسیس کند.

همچنین دانشگاه «لیدز» انگلیس اولین مرکز میان رشته‌ای برای آموزش و تحقیق درباره «تعامل علم و دین» را دایر کرد، و دانشگاه بوستون در آمریکا برنامه دکتری در علم و دین و فلسفه به راه انداخته است.»

تجدید علاقه به بررسی‌های روان شناختی نسبت به مسائل دینی و مذهبی که از سال‌های 60 و 70 میلادی آغاز گردیده بود طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته تا آنجا که «در این سال‌ها در این زمینه ده‌ها مجله معتبر چاپ و ده‌ها سمپوزیم و سمینار برگزار گردیده و تعداد اعضای انجمن روان‌شناسان مسیحی تقریباً از 200 نفر در سال 93 میلادی به یک‌باره در سال‌های اخیر به 16000 نفر رسیده و تحقیقات مربوط به دین در ابعاد علوم انسانی و نظری آن در شبکه اینترنت خیلی زیاد شده است.»

گرچه در گذشته «روان‌شناسی علمی معتقد بوده است که درمان بیماران باید از مسائل ارزشی دور نگه داشت، اما تنها از سال 1987 تا 1993 میلادی بیش از 6 هزار مقاله علمی در خصوص نقش و اهمیت مذهب در درمان بیماران به چاپ رسیده است.»

همچنین در سال‌های اخیر: «درس علم و دین در تعداد زیادی از دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی عرضه شده است و طبق برآورد مجله New Scientist پررشدترین رشته علمی بوده است!»

«انجمن علوم سیاسی آمریکا (American Political Science Association) هم بیش از ده سال است که بخش دین و سیاست را به راه نداشت است و هر سال جایزه‌ای را به بهترین کتاب در این زمینه اهدا می‌کند.»

آغاز دوران اضمحلال الحاد و مادی‌گرایی محض

پیروزی انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی و آموزه‌های دینی بنیان تفکر الحادی تمدن مادی معاصر را به شدت متزلزل نمود، و بستری منحصر به فرد جهت رجعت دوباره بسیاری از دانشمندان به اعتقادات دینی و سرخوردگی شدید از فرهنگ غیرمذهبی پدید آورده است. هفته نامه فرانسوی نول ابزرتاور در این زمینه می‌نویسد:

«در این زمان که علم انفورماتیک و تکنیک، پیشرفت‌های سرسام‌آوری داشته‌اند هر روز به صورت فزاینده‌تری با سقوط و اضمحلال بنیادهای فکری ماتریالیست‌ها و غیرمذهبیون مواجه می‌شویم. . .

... دیگر این خداشناسی نیست که مفاهیم علمی را به سود خود مورد استفاده قرار می‌دهد بلکه در حال حاضر این علم است که به شدت خواستار خداوند است.»

بنابر نظر ژیل کیل جامعه‌شناس معروف فرانسوی:

«افراد غیرمذهبی تحصیل کرده معتقدند که فرهنگ غیرمذهبی، آنها را در بن‌بست قرار داده است و نتایج این بن‌بست را هم در شدت جنایات و طلاق و ایدز و مواد مخدر و ... می‌بینند آنها... تضاد سنتی بین علم و ایمان را نفی می‌کنند.»

ماهنامه علمی ساینتیفیک آمریکا در این باره می‌نویسد:

«همین ناتوانی علم در پاسخ‌گویی به مسائلی که با معنای حیات و امور ارزشی و اخلاقی و غایب سر و کار دارد، شماری از دانشمندان را که در گذشته روحیه انکار و الحاد داشتند، وا داشته تا از رویه گذشته دوری جویند و به آموزه‌های دینی روی آورند.»

دانشمندان و تلاش فزاینده در جهت درک واقعیت دین

طی سال‌های اخیر هماهنگ با رویکرد جهانی بشر به باورهای دینی، موج فزاینده‌ای در میان اندیشوران دنیای کنونی، به ویژه در غرب، پدید آمده است که در راستای اصلاح تفکرات اشتباه در حوزه نسبت علم و دین، و دستیابی به درکی نو از جایگاه ارزشمند دین در زندگی بشر، حرکت می‌کنند.

کنفرانس‌های متعدد، طرح‌های گسترده تحقیقاتی و تالیفات فراوانی که با هدف نفی تقابل دین و علم، و تأکید بر تأثیرات مثبت دین بر بالندگی علمی جوامع که در سال‌های اخیر از سوی دانشمندان و مجامع علمی و تحقیقی انجام پذیرفته و می‌پذیرد، شاهد صادقی بر این مدعا است؛ به عنوان مثال می‌توان اشاره نمود به: «تأسیس روزافزون انجمن‌ها و مراکز تحقیقاتی مرتبط با علم و دین در اروپا و آمریکا.»

با برپایی «کنگره جهانی تفریق علم و دین در هند با حضور 1100 نفر از فیزیک‌دانان و شیمی‌دانان و زیست‌شناسان و فیلسوفان و الهیون و ... از سراسر جهان». یا برگزاری کنفرانس بررسی رابطه علم و دین در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی با شرکت تعداد زیادی از دانشمندان برجسته.»

چنانکه: «مرکز مذهب و علوم طبیعی در برکلی کالیفرنیا اخیراً اقدام به سامان‌دهی پروژه تحقیقاتی با عنوان «علم و تحقیقات معنوی» نمود. مارک ریچاردسون، مدیر این پروژه، گفت: این کار مقدمه برگزاری کنفرانسی با حضور دانشمندان علوم طبیعی و مذهبی می‌باشد که هدف آن تغییر بینش نخبگان در مورد این مسئله است که علم دقیق اعتقادات مذهبی را رد می‌کند.»

از میان صدها کتاب که با نگرش مثبت به موضوع رابطه علم و دین طی سال‌های اخیر به چاپ رسیده است می‌توان اشاره‌ای کرد به کتاب فیزیک و متافیزیک (1994) اثر اندیشمند غربی خانم جینفر تروستد (که مؤلف کتاب‌های زیادی در حوزه فلسفه و فلسفه علم می‌باشد).

وی در این کتاب با موضع بسیار مثبت به دین و اعتقادهای دینی درصدد است این باور غلط را از ذهن‌ها بزدايد که دین مانع پیشرفت علم بوده است و معتقد است بالندگی علمی در قرون وسطی نیز مرهون فلسفه دین بوده است.

عصر امام خمینی(ره) و انقلاب در حوزه علم و اندیشه

نکته‌ای که در این میان قابل تعمق می‌باشد این است که مجموعه تحولات شگرفی که در چند سال اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی در بینش و نگرش و گرایش‌های دینی و مذهبی دانشمندان رشته‌های مختلف علوم دنیای کنونی پدید آمده در حقیقت وقوع انقلابی بزرگ در حوزه علم و اندیشه می‌باشد که دانشمندان و عالمان معاصر را بیش از پیش به سوی بازگشت به خدا و باورهای الهی سوق می‌دهد.

«مجله آمریکایی تایم (Time) در شماره هفتم آوریل 1980 خود در این باره می‌نویسد: انقلابی ساکت در تفکر و استدلال در حال وقوع است و خدا دارد بر می‌گردد.»

ماهنامه علمی ساینتیفیک آمریکا نیز با بررسی تحولات یاد شده با اشاره به محتوی مباحث مطرح شده در کنفرانس بررسی رابطه علم و دین در کالیفرنیا می‌نویسد:

«نکته بسیار مهمی که در خلال کنفرانس روشن شد آن بود که دیگر دانشمندان به مذهب براساس باورهای عامیانه و رایج نظر نمی‌کنند بلکه بدان به چشم تجربه‌ای از عالم واقع که به اندازه تجربه‌های علمی واقعیت دارد می‌نگرند.»

این ماهنامه اضافه می‌کند:

«این چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از دانشمندان بر سر دو نکته به وحدت دست یافته‌اند: نخست آنکه خدا وجود دارد، و دیگر اینکه علم بدون مذهب لنگ است و مذهب بدون علم نابینا.»

از انقلاب مذکور در حوزه علوم «مجله آمریکایی News Week (مورخ بیستم ژوئیه 1998) با این عبارت یاد می‌کند که: علم خدا را می‌یابد.»

آثار دین‌گرایی دانشمندان بر رویکرد دینی و بشر معاصر

گرچه تجدید حیات باورهای دینی در میان دانشمندان و مجامع علمی و تحقیقی خود بخشی از جریان عظیم بازگشت انسان معاصر به سوی خداست، اما تحلیل‌گران مسائل اجتماعی عمیقاً بر این باورند که با شکل‌گیری تحولات یاد شده در حوزه علوم و زوده شدن بسیاری پندارهای موهوم در زمینه تقابل علم و دین، بستر بسیار مناسبی جهت افزایش و گسترش توجه انسان عصر حاضر به دستورها و آموزه‌های دینی و عقاید توحیدی، پدید آمده است.

نشریه دیلی تلگراف چاپ انگلیس در این زمینه می‌نویسد:

«تحلیل‌گران اجتماعی می‌گویند یکی از علل توجه بیشتر مردم به مذهب این حقیقت است که: مذهب و علم دیگر مانند گذشته ناسازگار دیده نمی‌شود.»

(میر احمد رضا حاجتی)

بر گرفته از کتاب عصر امام خمینی